



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

موضوع: إذا زوج الصبية أبوها أو جدها لأبيها ورثها الزوج وورثته / ميراث الأزواج.

در بحث قبلی به مناسبتی مطالبی را در مورد قرعه و صلح مطرح کردیم و برخی از آقایان نیز مطالبی را درباره این دو موضوع نوشته اند منتهی چون نخواستیم مبسوطاً وارد بحث شویم به همان مقدار اکتفاء کردیم.

عرض کردیم که محقق در شرایع و همچنین امام رضوان الله علیه در مسئله ۱۲ از تحریرالوسیلة فروعاتی را در مورد ازدواج صبی و صبیه بیان کرده اند، محقق در شرایع اینطور فرموده که: «الرابعة إذا زوج الصبية أبوها أو جدها لأبيها ورثها الزوج وورثته، وكذا لو زوج الصغيرين أبوهما أو جداهما لأبويهما توارثا و لو زوجهما غير الأب أو الجد كان العقد موقوفا على رضاهما عند البلوغ و الرشد و لو مات أحدهما قبل ذلك بطل العقد و لا ميراث... إلى آخر كلامه الشريف»^۱.

خب و اما دلیل این مطلبی که در مورد ولایت بر صغیر و صغیره بیان شد اخباری هستند که در باب ۶ از ابواب عقد نکاح و اولیاء عقد ذکر شده اند و عنوان باب این است؛ "باب ۶: ثبوت الولاية للأب والجد للأب خاصة مع وجود الأب لا غيرهما على البنت غير البالغة الرشيدة وكذا الصبي".

خبر اول از این باب ۶ را دیروز خواندیم و اما خبر دوم از این باب به بحث ما مربوط نمی شود منتهی یک مطلبی دارد و می گوید که: " ما تقول في صبية زوجها

عمها، فلما كبرت أبت التزويج، فكتب لي: لا تكره علي ذلك والامر أمرها".

خبر سوم از این باب ۶ این خبر است: «وعن عدة من أصحابنا، عن أحمد بن محمد، عن الحسين بن سعيد عن عبد الملك بن الصلت قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام عن الجارية الصغيرة يزوجه أبوها لها أمر إذا بلغت؟ قال: لا ليس لها مع أبيها أمر قال: وسألته عن البكر إذا بلغت مبلغ النساء ألهما مع أبيها أمر؟ قال: ليس لها مع أبيها أمر»^۲.

در این باب ۶ روایات زیادی دارند که اکثراً دلالت دارند بر اینکه اگر ولی صغیر یا صغیره را تزویج کرد وقتی بالغ شدند حق بهم زدن عقد را ندارند و عقد آنها نافذ می باشد منتهی خبری در همین باب ۶ وجود دارد که دلالت دارد بر اینکه در فرض مذکور صغیر یا صغیره وقتی بالغ شدند اختیار در فسخ عقد دارند لذا دو قول در اینجا بوجود آمده.

صاحب جواهر در صفحه ۲۰۱ از جلد ۳۹ جواهر ۴۳ جلدی در این رابطه فرموده: «المسألة الرابعة: إذا زوج الصبية أبوها أو جدها لأبيها (بالكفو بمهر المثل) ورثها الزوج وورثته ، وكذا لو زوج الصغيرين أبوهما أو جداهما لأبيهما (بالكفو بمهر المثل (توارثا) بلا خلاف محقق أجده فيه لتحقق الزوجية من الطرفين بذلك.

نعم عن الشيخ وجماعة من الأصحاب أن للصبى الخيار لو بلغ ، لخبر يزيد الكناسي المعارض بما هو أقوى منه سندا وأكثر عددا ، مضافا إلى عموم الولاية ، ومع تسليمه لا ينافي الإرث ، ضرورة عدم منافاة الخيار لتحقق الزوجية المسببة للإرث ، فهو حينئذ كالعيب المسلط على الفسخ ونحوه من أقسام الخيار في النكاح وغيره المقتضي للفسخ من حينه»^۳.

^۱ وسائل الشريعة، شيخ حر عاملی، ج ۱۴، ص ۲۰۷، ابواب عقد نکاح، باب ۶، حدیث

^۲ ط الإسلامیة.

^۳ جواهر الكلام، شیخ محمد حسن نجفی جواهری، ج ۳۹، ص ۲۰۱، ط ۴۳ جلدی.

^۱ شرایع الاسلام، محقق حلی، ج ۴، ص ۲۸، ط اسماعیلیان.

جعفر علیه السلام عن الصبي يزوج الصبية، قال: إن كان أبواهما اللذان زواجهما فنعيم جازر، ولكن لهما الخيار إذا أدركا فان رضيا بعد ذلك فان المهر على الأب قلت له: فهل يجوز طلاق الأب على ابنه في صغره؟ قال: لا أقول: حملة الشيخ على أن للصبي الطلاق بعد البلوغ وللصبية طلب المهر أو الطلاق ونحو ذلك لما مضى ويأتي^۵.

آقای خوئی به این یک حدیث تمسک کرده ولی خب ما در باب ۶ روایات متعددی داریم که دلالت دارند بر اینکه صبی و صبیبه بعد از بلوغ خیار در فسخ عقد ندارند بنابراین اشکال ما به آقای خوئی این است که ایشان طبق مبنای خودشان به شهرت عملیه یا اعراض فقهاء و اصحاب کاری ندارد و اینها را موثر نمی داند و فقط به سلسله سند خبر نگاه می کند منتهی بالاخره این خبر معارض است با تعدادی از اخبار که أقوى منها و اکثر منها هستند و همگی دلالت دارند بر اینکه صبی و صبیبه بعد از بلوغ خیار در فسخ ندارند.

شهید ثانی در مسالک جلد ۱۳ صفحه ۱۸۱ فرموده تزویج صحیح است و صبی و صبیبه بعد از بلوغ خیار در فسخ عقدشان ندارند و بعد ایشان به خبری از زراره استناد می کند که در صفحه ۵۲۸ از جلد ۱۷ وسائل ۲۰ جلدی بیان شده است.

بقیه بحث بماند برای فردا إن شاء الله تعالی ...

والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی

محمد و آله الطاهیرین

خبر معارض در باب ۶ یعنی خبر یزید کناسی که صاحب جواهر هم به آن اشاره کرده این خبر است: **«وعنه (شیخ طوسی) عن الحسن بن محبوب، عن أبي أيوب الخزاز، عن برید " یزید خ ل " الكناسی (در جامع الروات جلد ۱ صفحه ۱۱۶ گفته " یزید الكناسی " می باشد علی آئی حال این شخص مجهول الحال می باشد) قال: قلت لأبي جعفر علیه السلام: متى يجوز للأب أن يزوج ابنته ولا يستأمرها؟ قال: إذا جاءت تسع سنين، فإن زوجها قبل بلوغ التسع سنين كان الخيار لها إذا بلغت تسع سنين... إلى آخر الحديث»^۴.**

بحث بر می گردد به اینکه اگر پدر یا جد پدری صغیر و صغیره را تزویج کردند آیا بعد از بلوغ خیار در فسخ آن عقد دارند یا نه که در این خبر گفته شده **"کان لها الخيار"** ولی فقهاء ما نوعاً بلکه مشهور بلکه اجماعاً فرمودند بعد از بلوغ خیار فسخ عقد را ندارند.

صاحب عروه در کتاب النکاح یک فصلی را درباره اولیاء عقد منعقد کرده و فرموده اگر پدر یا جد پدری صغیر و صغیره را تزویج کردند نافذ و لازم است و آنها بعد از بلوغ خیار در فسخ ندارند و در اینجا هیچکس حاشیه ای ندارد و همه قول صاحب عروه را قبول کرده اند غیر از آیت الله العظمی آقای خوئی که فرموده اگر صغیر و صغیره را تزویج کنند و بعد از بلوغشان تشخیص بدهند که بجا نبوده حق دارند که عقد ازدواج را بهم بزنند.

خبری که آیت الله خوئی به آن استناد کرده صحیحه محمد بن مسلم است که خبر ۸ از باب ۶ از ابواب عق نکاح و اولیاء عقد می باشد: **«وعنه، عن الحسن بن محبوب، عن العلاء، عن محمد بن مسلم قال: سألت أبا**

^۵ وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۱۴، ص ۲۰۸، ابواب عقد نکاح، باب ۶، حدیث ۸، ط الإسلامیة.

^۴ وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۱۴، ص ۲۰۹، ابواب عقد نکاح، باب ۶، حدیث ۹، ط الإسلامیة.